

قانون...



گزیده ای از «پیامبر» ، جبران خلیل جبران

مترجم : فروغ طاعتی

تصویر : GEORGE ROUAULT

قانون...

...وسپس مردی از حیطه ی قانون ی پیش آمد وگفت :

در مورد قوانینمان چه می گوئید ، حکیم ؟

و او پاسخ داد :

شما به گذراندن قوانین دل خوش می کنید ،

ولی باز دل خوش تر از زیر پا گذاشتن آن...

به سان کودکان در ساحل اقیانوس ، که بازی کتان و کوشا، برجهایی از شن ساخته و سپس شاد و خندان ویرانش می کنند.

و اما شما ، مادام که در حال ساختن برجهای شنی هستید، اقیانوس شنهای بیشتری را به ساحل می آورد.

و هنگامی که آنها را ویران می کنید، اقیانوس هم به همراهتان می خندد...

در حقیقت اقیانوس همیشه با خوش باور و ساده دل می خندد.

و اما برای کسانی که زندگی در چشمشان همچو اقیانوس نیست، چگونه خواهد بود ؟

برای آنهایی که قوانین انسانها به سان برجهای شنی نمی باشند...

کسانی که زندگی در چشمشان همانند صخره ای ست، و قانون ، قلمی برای حکاکی تصویری شبیه به خود بر روی آن ؟

و برای علیلانی که از رقصندگان بیزارند، چگونه خواهد بود ؟

برای گاوی که یوغش را دوست دارد و آهو و گوزن جنگل را آواره هائی سر گشته و گمراه می پندارد ؟

و برای مار پیری که قادر به پوست انداختن نیست و دیگر مارها را عریان و بی شرم می داند؟

و برای کسی که زود به مجلس سرور آمده و خسته و کلافه از تناول بی حدّ ، راه برگشت را در پیش می گیرد، در حالیکه همه جشنها را خطا دیده و هریک از مهمانان را متهم به زیر پا گذاشتن قانون می پندارد ؟

چه بگویم جز آنکه آنان نیز در میان نور ایستاده اند ولی پشت کرده به خورشید، کسانی که جز سایه خود نمی بینند، سایه هائی که قوانین شان محسوب می شوند... خورشید در چشم آنان چیست؟ به جز خالق سایه ها ؟...

و شناخت قانون برچه مبنائی ست؟ جز اینکه خم شوند و دور سایه ها را بر زمین ترسیم کنند...

و امّا شمائی که رو به خورشید قدم بر می دارید، چه تصویری بر روی زمین قادر به جلو گیری و باز داشتنتان خواهد بود ؟

شمائی که به همراه باد سفر می کنید، چه گونه باد نمائی مسیرتان را هدایت خواهد نمود؟

کدامین قانون ساخته انسان به شما پابند خواهد زد، اگر یوغ تان را روی هیچیک از درهای زندان ، نشکنید ؟

از کدامین قانون ترس خواهید داشت، اگر برقصید بدون سکندری خوردن در میان زنجیر و پا بندی ؟

چه کسی قادر به تسلیم و تحویلتان به دستگاه قضاوت خواهد بود، اگر جامه های در آورده از تن را در باریکه راه دیگران رها نکنید ؟

ای مرثم ، شما می توانید طبل و دهل را بپوشانید و تارهای چنگ را از هم باز کنید، ولی چه کسی قادر به منع چکاوک از نغمه سرائی خواهد بود ؟

گزیده ای از «پیامبر» ، جبران خلیل جبران

مترجم : فروغ طاعتی

تصویر : GEORGE ROUAULT